نقش علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام در وحدت و انسجام اسلامي

نقش علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام در

وحدت و انسجام اسلامي

حجت الاسلام و المسلمين شيخ عبدالخالق حمادي

دكتر آرزو سلامت نيا

چكيده

امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اوّلیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که اسلام برای او پیش‌بینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. این چیزی بود که دوري از اسلام، پراکندگي و غفلت مسلمانان برای آنها پیش آورده بود .و تفرقه و اختلاف شان باعث داوم سلطه دشمنان بر آنان شده است.اما امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میلِ برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزّت و پیشرفت و ترقّی است. با این حال، صحنه همچنان سیّال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است.

تقويت و تأكيد بر انسجام حدود يک و نيم ميليارد مسلمان جهان، اساسي‌ترين رسالت علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام است و‌ انديشمندان مسلمان بايد از خود سؤال کنند که چگونه مي‌توان اتحاد و انسجام مسلمانان را اولويت اول جهان اسلام قرار داد؟ متأسفانه مسلمانان امروزه با بي‌توجهي به توطئه اجانب در گرداب تفرقه قرار گرفته و جهان اسلام زيان‌هاي غير قابل جبراني از اين تفرقه‌ها ديده است. در سال‌هاي اخير دشمن تلاش کرده است عامل مذهبي را به عامل اختلاف بدل کند و نگذارد کشورهاي اسلامي با تشريک مساعي و برادري به اوج شکوفايي برسند.

امّت بزرگ اسلامی در طول قرنهای متمادی بعد از قرون اوّلیه اسلام، نتوانست خود را به هدف و غایتی که اسلام برای او پیش‌بینی کرده و در نظر گرفته بود، برساند. این چیزی بود که دوري از اسلام، پراکندگي و غفلت مسلمانان برای آنها پیش آورده بود .و تفرقه و اختلاف شان باعث داوم سلطه دشمنان بر آنان شده است.اما امروز اوضاع در دنیای اسلام تفاوت کرده است؛ بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده مـ‌شود؛ میلِ برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزّت و پیشرفت و ترقّی است. با این حال، صحنه همچنان سیّال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است.

تقويت و تأكيد بر انسجام حدود يک و نيم ميليارد مسلمان جهان، اساسي‌ترين رسالت علما، دانشمندان و نخبگان جهان اسلام است و‌ انديشمندان مسلمان بايد از خود سؤال کنند که چگونه مي‌توان اتحاد و انسجام مسلمانان را اولويت اول جهان اسلام قرار داد؟ متأسفانه مسلمانان امروزه با بي‌توجهي به توطئه اجانب در گرداب تفرقه قرار گرفته و جهان اسلام زيان‌هاي غير قابل جبراني از اين تفرقه‌ها ديده است. در سال‌هاي اخير دشمن تلاش کرده است عامل مذهبي را به عامل اختلاف بدل کند و نگذارد کشورهاي اسلامي با تشريک مساعي و برادري به اوج شکوفايي برسند.

در اين مقاله سياست‌ها و راه‌کارهاي تحقق وحدت و انسجام اسلامي از نظر مسئولان و انديشمندان مسلمان در راستاي تحقق انسجام اسلامي و مناسبترين نگرش براي تحقق سياست‌ها و راه‌کارهاي انسجام اسلامي ارائه مي‌گردد .افزون بر آن، سياست‌ها و راه‌کارهاي اتخاذ شده از نظريه‌هاي آکادميک، درباره تحقق انسجام اسلامي و آسيب‌ها و آفت‌هاي سياست‌ها و راه‌کارهاي ارائه شده و... طرح و تحليل گرديده است. در پايان با توجه به تجارب عملي، سياست‌ها و راه‌کارهاي بديع و واقع‌گرايانه درباره انسجام اسلامي معرفي شده است. در اين نوشتار همچنين مهم ترين آسيب شناسي و راهکارهاي بيداري وحدت اسلامي را از گفتار، نوشتار و رفتارهاي دو انديشمند مصلح جهان اسلام، امام خميني (ره) و مقام معظم رهبري حضرت آيه° ا‌ العظمي خامنهاي مورد بازخواني شده است. در پايان با توجه به تجارب عملي، سياست‌ها و راه‌کارهاي بديع و واقع‌گرايانه درباره انسجام اسلامي معرفي شده است.

مقدمه:

موضوع وحدت امت اسلامي و تقريب مذاهب اسلامي، يكي از مسائل مهم جهان اسلام به شمار مي آيد. تاكيد قرآن كريم به ضرورت وحدت مسلمانان « واعتصموا بحبل ا جميعا ولا تفرقوا » (سوره آل عمران، آيه 103) و تاكيد پيشوايان دين بر برادري مسلمانان بر كسي پوشيده نيست، از نظر تاريخي اين امر به خوبي روشن است كه پيشرفت مسلمانان در پرتو همدلي و وحدت آن ها و عقب ماندگي و شكست آنان در عرصه هاي گوناگوني سياسي، علمي، اجتماعي، اقتصادي و ... نتيجه اختلافات و پراكندگي ميان ايشان بوده است. اين ناسازگاري ميان فرقه ها و مذاهب اسلامي، خصوصا ميان دو مذهب بزرگ شيعه و اهل سنت در برهه هايي از تاريخ به حدي بوده است كه تلقي آن دو مبني بر اينكه دو فرع اگر يك اصل اند، ممكن نبوده است و نظر بر اين بوده است كه در طول تاريخ در شبه قاره هند و پاكستان، عراق و .... ميان اين دو فرقه ي بزرگ اسلامي رخ داده است. البته در اين ميان در طول تاريخ اسلام، دانشمندان و عالمان ديني بزرگي وجود داشته اند كه براي ايجاد صلح و مدارا ميان مسلمانان و سازگاري مذاهب اسلامي كوشيده اند. عالمان و دانشمندان مسلمان در يك قرن اخير نيز با در نظر داشتن ضرورت وحدت و همبستگي ميان امت اسلامي براي ايجاد سازگاري بين فرق و مذاهب اسلامي تلاش فراوان كرده و پديده نو ظهوري به نام « تقريب مذاهب اسلامي » پايه ريزي كرده اند . در اين ميان واكنش ها و رويكردهاي متفاوت هم در ميان دانشمندان اهل سنت و هم در ميان علماي شيعه نسبت به موضوع تقريب وجود داشته است . رويكرد اول رويكردي منفي بوده است چنانكه عده اي از علماي شيعه امر تقريب مذاهب اسلامي را در عمل و اينكه در جهان خارج به عينيت برسد، ناممكن و محال دانسته اند در مقابل، ممكن است عده اي ديگر براي عملي شدن ايده ي تقريب مذاهب اسلامي با در پيش گرفتن رويكردي تفريطي بعضي از اصول اعتقادي قطعي و مسلم مذهبي و حوادث مستند تاريخي را انكار يا در آن تشكيك كنند. در عين حال رويكرد سوم و معتدل نيز نسبت به موضوع تقريب مذاهب اسلامي در ميان انديشمندان شيعي وجود داشته است . در اين رويكرد با پذيرش اصل ضرورت وحدت امت اسلامي و تقريب و سازگاري ميان مذاهب اسلامي، سعي و تلاش بر پايه ريزي مبناي اصولي و روش هاي كارآمد براي تقريب مذاهب اسلامي بوده است. ترديدي نيست كه اختلاف هاي مذهبي و عقيدتي ميان مسلمانان از مهمترين عللي است كه به تفرقه و پراكندگي آنان انجاميده است.پرسش مهم اين است كه چگونه مي توان اين مشكل را حل كرد؟ آيا بايد با ايجاد يك مذهب و يا از ميان برداشتن اختلاف هاي مذهبي، سعي در حل آن كرد؟ پاسخ آن است كه كوشش هايي از اين دست تقريبا غير ممكن است و گمان نمي كنيم كسي در پي چنين كوشش نامعقولي برآيد، در اين جا بايد در جستجوي راه ديگري براي ايجاد راه حل عادلانه اي كه همگان بپذيرند برآييم كه مطمئنا راهي بهتر از تقريب به عنوان بهترين راه حل براي مشكلي كه همگان را به ستوه آورده است، نخواهيم يافت .

واژه تقريب از باب تفعيل و از ماده «قرب» به معناي نزديك و نزديكي اخذ شده است، چنانكه گفته اند : قرب اصل صحيح يدل علي خلاف البعد ؛ در جاي ديگر آمده است : القرب لفيض البعد بنابر اين قرب (نزديكي) عكس بعد (دوري) است و تقارب (نزديك شدن به يكديگر) ضد بتاعد (دوري جستن از يكديگر است) . تفاوت نزديك شده به همديگر ويژه ي مكان نيست، چه در حديث حضرت حجة (ع) آمده است : زمان چنان به هم نزديك مي شود كه يك سال همچون يك ماه مي گردد. و منظور زمان چنان خوش مي گردد كه گويا به درازا نمي كشد زيرا ايام شادي و خوشي كوتاه است. و در حديث قدسي آمده است : « هر كس به من به اندازه يك وجب تقرب جويد، به اندازه يك زرع به او نزديك مي شوم » كه مراد از نزديكي بنده به خداي متعال، قرب و نزديكي با ذكر و كار خير و نه قرب ذاتي و مكاني است زيرا قرب مكاني از صفات اجسام فاني است و خداوند متعال همچنان كه در جاي خود مسلم و ثابت گشته است، والاتر و مقدس تر از آن است.

تقريب مذاهب اسلامي در اصطلاح كوشش جدي براي تحكيم روابط ميان پيروان اين مذاهب از راه درك اختلاف هاي موجود ميان خود و زدودن پيامدهاي منفي اين اختلاف ها و نه اصل اختلاف هاست ؛ به عبارت ديگر تقريب نزديك كردن ديدگاه ها و هماهنگي مواضع مسلمانان است. در تفسير صحيح تقريب در اصطلاح مي توان گفت : تقريب مذاهب اسلامي عبارت است از اينكه تمام پيروان مذاهب اسلامي به خصوص عالمان ديني با حفظ مذاهب شان و بر اساس گفتگوهاي علمي به جهت تبيين مشتركات ديني و رفع سوء برداشت هاي مذهبي، هر چه بيشتر زمينه اتحاد و انسجام امت اسلامي را فراهم سازد. تفاوت تقريب و اتحاد اين دو واژه در اصطلاح مصلحان مسلمان معنايي نزديك به هم دارند و از هدف واحدي برخوردارند كه همان ايجاد همبستگي و سازگاري ميان مسلمانان است اما مي توان اين تفاوت را ميان آن ها قائل شد كه اصطلاح اتحاد امت اسلامي عام تر است و جنبه سياسي – اجتماعي و علمي دارد ولي اصطلاح «تقريب مذاهب اسلامي» بيشتر داراي جنبه علمي و نظري است و در ميان عالمان ديني مطرح است كه تلاش مي كنند بر اساس مناظرات و گفتگوهاي علمي و رعايت روشهاي علمي و اخلاقي، زمينه آشنايي بيشتر مذاهب اسلامي از اصول و فروع يكديگر را آماده سازند و در رفع سوء تفاهمات مذهبي بكوشند.

مسلمانان در صورتي كه به دنبال خيزش و نجات از اين حالت ضعف و عقب ماندگي هستند، راهي جز وحدت و كنار نهادن تفرقه و درگيري ندارند، ناگزير بايد گفت بدون شك هدف مترتب بر تقريب مذاهب اسلامي هدفي است كه به حكم عقل و شرع، مسلم تلقي مي شود. در نتيجه اهميت تقريب و ضرورت كاملا روشن مي شود و مسلمانان وظيفه دارند با جديت تمام و با احساس مسئوليت بزرگي هم چون با عظمت و شكوه اين هدف با آن برخورد داشته باشند. امروز نياز به تقريب بيش از هر زمان ديگري ديگري احساس مي شود زيرا اسلام درگير كارزار تمدني و سرنوشتي بسيار پراهميتي است كه فراهم آوردن همه گونه اسباب نيرومندي و پيروزي را ايجاب مي كند.

خاستگاه تاريخي تقابل بين شيعه و سني

در اين مورد دو بحث وجود دارد. يكي بحث واقعيت تاريخي و ديگري سوءاستفاده هايي است كه از اين تاريخ صورت مي گيرد. در حالي كه اساسا در خصوص مذاهب بايد تكثر را به رسميت شناخت. همه اديان بزرگ داراي شاخه هاي مختلف هستند و وقتي تبديل به قدرت مي شوند ديگر بايد آنها را پذيرفته شده قلمداد كرد.

اما اگر اين شاخه ها بخواهند درصدد حذف يكديگر برآيند، آنوقت است كه فاجعه بوجود مي آيد. شاخه ها تنها مختص به مذاهب نيست و حتي در درون مذاهب، از جمله شيعه هم جريان هاي مختلفي وجود دارد، به هر حال يافتن حقايق در مسائل اجتماعي و سياسي هميشه بستگي به خاستگاه تاريخي ندارد، بلكه بايد مسائل ديگري را نيز مدنظر قرار داد. به عبارت ديگر در تحقيق تاريخي بايد تنوع را به رسميت بشناسيم و بحث بايد روي معيار ها متمركز باشد نه روي مصداق ها.

تاریخ اسلام در همه مسائل نظری، شاهد اختلاف آراء و عقائد بوده است و این اختلاف، تا آنجا که به اصول کلی مشترك اخلالی وارد نیاورده، رایج و مورد استقبال بوده است و حتی به عنوان یك امر ضروری تلقی شده است . حتی در اصول کلی مشترك، مثل توحید، نبوت، رهبری بعد از پیامبر، معاد، صفات خداوندی و قرآن نیز مباحث نظری فراوان مطرح شده و این نه تنها موجب آن نشده که متفکران اسلامی یکدیگر را تکفیر کنند، بلکه عامل گسترش و تعمق معارف حکمی و کلامی نیز گشته است . اما اختلاف نظر در فروع مورد اتفاق، مانند نماز، روزه، حج، جهاد ابواب گوناگون اقتصاد و کیفرها (حدود و دیات) و غیر آن که بسیار فراوان و رایج است، بدیهی‌تر از آنست که نیازی به بحث و تحقیق داشته باشد . اما در هر حال، می‌توان اختلاف را به دو نوع تقسیمکرد:

اختلاف معقول

اختلاف معقول عبارتست از اختلافی که ناشی از چگونگی اطلاعات مربوط به مسئله و استعدادها، مخصوصا نبوغ و عموم موضع گیریهای طبیعی و قانونی است که اشخاص در ارتباط با حقائق دارند، مانند اختلاف نظر در دریافت واقعیات عالم هستی از دیدگاه علوم نظری و فلسفه‌ها . این همان اختلاف معقول است که نه تنها نباید مورد تردید و انکار قرار بگیرد، بلکه موجب گسترش و عمق بیشتر در معارف نیز می‌گردد . روایت معروف اختلاف امتی رحمة (اختلاف امت من رحمت است) (سفینة البحار، محدث قمی ج 2 ص42)، اشاره به همین اختلاف معقول می‌نماید .

بر اساس همین نگرش بوده است که اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی، چه در فقه و اصول و

فهم احادیث، چه در فلسفه و کلام و ادبیات و غیر ذلك با کمال رضایت به بحث و کاوش و اظهار نظرهای مختلف می‌پرداختند و هیچ یك دیگری را خارج از اسلام تلقی نمی‌کرد . اگر به تاریخ اسلام بنگریم، خواهیم دید که علمای فراوانی در حضور علمائی که در مسائل نظری هم رأی آنان نبوده‌اند، شاگردی کرده‌اند و کتابهای یکدیگر را مورد شرح و تحقیق قرار می‌دادند . مثلا کتاب تجرید الاعتقاد تألیف خواجه نصیر الدین طوسی از بزرگترین علمای شیعه مورد شرح ملا علی قوشجی از علمای اهل سنت قرار گرفته است، و کتاب المحجة البیضاء، ملا محسن فیض، از مشاهیر علمای شیعه، در شرح و تحقیق احیاء العلوم غزالی که از معروف‌ترین علمای اهل سنت است تألیف شده است .

اختلاف نامعقول

عبارتست از اختلافی که ناشی از عوامل غیر قانونی و انحرافی می‌باشد، مانند پیروی از هوی و هوس که از مهم‌ترین نمودهای آن، خودنمائی و شهرت پرستی است . در طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که خواسته‌اند خود را مطرح کنند و با تظاهراتی مثل آزاد فکری، آزادی اراده و آزادی بیان، اما در حقیقت با عشق به قدرت، مشهور شوند . عشقی که نهایت ناتوانی انسانی را اثبات می‌کند . همانگونه که در سازندگان و ترویج کنندگان مذاهب دروغین می‌بینیم . یکی از اساسی‌ترین عوامل بدست آوردن قدرت در طول تاریخ، ایجاد اختلاف در عقیده یا عقائد مردم یك جامعه بوده‌است . این جریان، نه تنها موجب پراکندگی افکار و عقائد و ایده‌آلهای متحد کننده یك جامعه می‌گردد، بلکه گاهی عامل شدیدترین خصومت‌ها و تضادها در میان مردم یك یا چند جامعه می‌شود که در سطح عمیق روحیاتشان، افکار و عقائد مشترك بسیاری با یکدیگر داشته‌اند . و چون عقائد و آرمانها تفسیر کننده هدف و فلسفه حیات انسانهاست، لذا بازی با آنها، یا به وجود آوردن اختلاف‌های نامعقول میان انسانها برای نیل به قدرت، یکی از ضد انسانی‌ترین روشهای قدرت طلبان محسوب می‌شود .

از زمره دیگر انواع اختلاف نامعقول، آن است که ناشی از شطرنج بازی‌های ذهنی در علوم نظری است که فقط برای ارضای حس تخیل و اعتلاء طلبی در امور فکری محض بر می‌خیزد.

و بالعکس، با کمال صراحت می‌توان گفت که اختلاف معقول، یعنی اختلافی که در مسیر رقابت‌های سازنده، بوجود می‌آید مطلوب‌ترین عامل پیشرفت معرفت و عمل است و بدون آن، هیچ گونه حرکت تکاملی در حوزه دو حقیقت مذکور (معرفت و عمل) امکان پذیر نخواهد بود . در دین اسلام، هرگز چنین دستوری وجود ندارد که همه مغزهای مسلمین، فعالیت یکنواخت داشته باشد و همه به نتایج واحد برسند . از طرف دیگر، اصرار شدید اسلام بر اینست که بحث و کاوش و اجتهاد باید دائمی و مستمر باشد . بدیهی است این قضیه دوم، بدون بروز اختلاف امکان پذیر نخواهد بود .

بنابراین، اختلاف نظرها به عنوان یك پدیده طبیعی که معلول پویایی معارف اسلامی است، پذیرفته

شده، اما این اختلاف باید در مسیر رقابت‌های سازنده قرار بگیرد، نه تضادهای ویران کننده . البته، گاه این تکاپوها و رقابت‌های مثبت، از طرف قدرت پرستان، مبدل به تضادهائی می‌گردد که عامل پیشرفت تکاملی را، به عامل رکود و سقوط نابود کننده، مبدل می‌سازد . اما اختلاف‌های نامعقول که برای بدست آوردن سلطه و قدرت بوجود می‌آیند، سطحی و زودگذر و غالبا تکراری است، مانند کتابهائی که برای اختلاف افکندن بین شیعه و سنی در دوران ما نوشته می‌شوند . معمولا این گونه آثار، برای صاحب نظران و متفکران فقط اسباب تمسخر و تأسف خواهند بود، و برای افکار ساده و بی اطلاع نیز اثری زودگذر و فراموش شدنی بجا خواهند گذارد .

از طرف دیگر، هر جا که آتشی از اختلاف بر افروخته شده، هر چند نهالهائی چند از باغ خداوندی را سوزانده است اما روشنایی‌هائی برای متفکران نیز بوجود آورده که در نور آن، هم ابعاد مخفی و مزایای مکتب را روشن ساخته، و هم نیات تفرقه افکن را واضح‌تر ساخته است، چه اگر یك قضیه از واقعیت صحیح برخوردار باشد، هر حمله‌ای که از طرف غرض ورزان به آن قضیه صورت بگیرد، سطوح و ابعاد و توانائی مقابله آن واقعیت را بالاتر می‌برد و روشن‌تر می‌سازد، و این، عکس آن هدفی است که غرض ورزان تصور کرده‌اند .

انواع‌وحدت

متن مشترك ادیان توحیدی ابراهیمی، بر مبنای اعتقاد به وجود خداوند یگانه، مبداء و مقصد حرکت انسان در وصول به کمال، قرار دهنده عقل و وجدان در ذات انسانها و فرستنده پیامبران الهی برای ارشاد مردم ایجاد شده است . عناصر شخصیت واحد جوامع اسلامی، یا اجزای هویت واحد امت اسلامی در همین اعتقادات خلاصه می‌شود، و با ورود اختلال در هر یك از این عناصر یا اجزاء، شخصیت یا هویت واحد به همان نسبت مختل می‌گردد . در طریق وصول به وحدت معقول، نخستین گام، همانا وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی است و عامل اساسی این توسعه دیدگاهها، رهائی از چارچوب تنگ و تاریك تعصب غیر منطقی می‌باشد . اسلام، به جهت عظمت و تنوع ابعاد نامحدود خود، توانسته است همانگونه که محمد بن طرخان فارابی را در دامن خود بپروراند، ابن سینا و ابن رشد و ابن مسکویه و ابو ریحان بیرونی و حسن بن هیثم و محمد بن زکریا و جلال الدین محمد مولوی و میر داماد و صدر المتألهین و صدها امثال اینان را، با آراء و عقاید مختلف در جهان شناسی و الهیات و حقائق مذهبی پرورش بدهد . از طرف دیگر، صدها فقیه و اصولی در دو فرقه بزرگ اسلامی تشیع وتسنن در هزاران مسئله شرعی بحث و اجتهاد داشته‌اند، گاه با یکدیگر موافق و گاه مخالف یکدیگر بوده‌اند، اما هیچگونه تزاحم و تضاد ویرانگر در میان نبوده است . نکته مهمی که در این مسئله باید در نظر گرفت، اینست که قسمت شدن دو مذهب شیعه و سنی به دهها فرقه و گروه، معنایش این نیست که اسلام واقعا به دهها مذهب تقسیم شده‌است، زیرا اگر بنا شود که عقیده هر صاحب نظری را در تاریخ معارف اسلامی، به معنای یك مذهب مخصوص تعبیر کنیم، باید بپذیریم که اسلام به هزاران مذهب تقسیم شده است از طرف دیگر، هیچ

متفکر اسلامی تاکنون هیچیك از دانشمندان و صاحب نظران دیگر را تکفیر نکرده است، البته همواره بحث و مناقشه و نقد و بررسی بین آنان رواج داشته است، و هم اکنون نیز تکاپوهای علمی و فلسفی و فقهی و اصولی و ادبی و غیره در حوزه‌های کشورهای اسلامی با کمال جدیت در جریان است و اگر قدم مثبتی در راه پیش رفت معرفت اسلامی در یکی از کشورهای اسلامی برداشته شود، دیگران نیز از آن سود می‌جویند .

وظیفه ما علما و همه متفکران اسلامی در سراسر گیتی و دانشمندان جهان اسلام و رهبران فکری امت اسلامي، ایجاد همبستگی میان مسلمانان است. اینان باید وحدت اسلامی را برقرار کنند، و اینکه چگونه وحدت اسلامی تحقق می‌یابد، این جانب اندیشه‌ای در ذهن دارم که مطرح می کنم؛ وحدت اسلامی به دو نوع تقسیم می‌شود: 1 - وحدت علمی 2 - وحدت عملی . برای تحقق وحدت علمي، باید به بحث‌وبررسی و مطالعه مسائل مورد اتفاق و اختلاف میان مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام و روش خلفا بپردازیم. اما مهمترین موارد اتفاق، عبارتند از:

1-قرآن کریم

ما مسلمانان در تمام دنیا قرآنی اعم از چاپي، خطی و مکتوب به خط کوفی و نسخ یا هر خط دیگری جز همین قرآن نداریم و قرآن دیگری جز آن، در هیچ شهر یا خانه ای و نزد هیچ مسلمان و غیرمسلمانی یافت نمی‌شود. پس این بدگوییهای ما از یکدیگر برای چیست؟! ما باید بر گرد قرآن جمع و با یکدیگر متحد شویم.

2-سنت پیامبرصلی ا علیه وآله

همه مسلمانان دنیا اتفاق نظر دارند بر اینکه [باید] به آنچه در سنت رسول خداصلی ا علیه وآله آمده، عمل کنند، و هیچ مسلمانی یافت نمی‌شود که قائل به این حرف نباشد.

این دو از اهم موضوعات مورد اتفاق میان دو مکتب است، و مهمترین موارد اختلاف نیز همین دو مورد است.

فهم قرآن

دو مکتب یاد شده در فهم اصطلاحات قرآنی اختلاف‌ نظر دارند مانند «کرسي» در عبارت «وسع کرسیه السموات والارض.» برخی از مسلمانان در معنای آیه می‌گویند: در آسمانها جسمی وجود دارد به نام «کرسي» که خداوند [العیاذ با] بر روی آن می‌نشیند، ولی ائمه اهل بیت‌علیهم‌السلام به استناد آنچه در زبان عربی آمده، به ما آموخته‌اند که «کرسي» در این جا به معنای علم است، بنابر این معنای آیه شریفه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولایحیطون بشیء من علمه الا بماشاء وسع کرسیه

السموات والارض»، این است که خداوند آنچه را در پیش روی آنها (بندگان) و در پشت‌سر آنان است می‌داند و جز به مقداری که بخواهد، کسی از علم او آگاه نمی‌گردد و علم او بر همه آسمانها و زمین احاطه دارد و چیزی از قلمرو نفوذ علم او بیرون نیست.

به هر حال این یک مسئله علمی است و ما می‌توانیم در یک بحث علمی آن را بین خودمان مورد بحث و بررسی قرار دهیم و مانعی ندارد که شما رای مرا و من رای شما را نپذیرم، و در عین حال یکپارچه و متحد باقی بمانیم و اختلاف نظر به دوستی ما خللی وارد نکند.

فراگیری سنت

یکی از موارد اختلاف میان مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام و مکتب خلفا، پاسخ این سوال است که ما سنت پیامبرصلی ا علیه وآله را از چه کسانی باید فرا بگیریم؟ آیا تنها از صحابه آن حضرت، و از همه آنان؟ آیا همه صحابه عادل بودند؟ اینها مسائلی است که برادران اهل سنت ما به آنها اعتقاد دارند و در مقابل آن، عقیده مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام بر این است که سنت پیامبرصلی ا علیه وآله را ما باید از عدول صحابه و از خود ائمه علیهم‌السلام فرا بگیریم، و این خود یکی از مسائل فقهی مورد اختلاف میان ماست و هر یک از طرفین (شیعه و سني) دلایل خود را ارائه می‌دهد.

علاوه بر این برای دستیابی به این وحدت علمی ما به مطالعه و بررسی اصطلاحات قرآن و عقاید اسلامی نیازمندیم، زیرا ما در حوزه‌های علمیه خودمان و در الازهر و دانشگاه اسلامی الزیتونیه [در تونس]، و در حوزه نجف و قم، اصطلاحات فقهی را خوانده و آموخته‌ایم ولی اصطلاحات اسلامي، قرآني، عقیدتی را رها کرده‌ایم، ما اولا به بررسی این اصطلاحات و ثانیا به مطالعه و بررسی منابع سنت پیامبرصلی ا علیه وآله نیاز داریم، تا برای ما روشن شود که آیا می‌توانیم احکام اسلام را از کتاب و سنت و نیز از اجتهادهای صحابه و خلفا بگیریم؟ یا باید به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ یکی از اجتهادهای صحابه در زمان خودشان این بوده که به عنوان مثال خلیفه دوم اجتهاد کرده و به نهی از عمره تمتع فتوا داده و امروزه برخی از مسلمانان بر طبق آن عمل می‌کنند و برخی نمی‌کنند، در این موارد ما باید به مطالعه بپردازیم که آیا بر عمل به اجتهادهای خلفا باقی بمانیم یا در به دست آوردن احکام اسلام به کتاب و سنت اکتفا کنیم؟ این مسائل یعنی منابع سنت و استنباط احکام را باید بررسی کنیم. امروز، ما باید اختلافات و جدال‌های بی‌نتیجه را رها کنیم و تنها به مطالعه و بررسی این موضوع بپردازیم که سنت پیامبرصلی ا علیه وآله و تفسیر قرآن را از کجا بگیریم. هر یک از ما (شیعه و سني) دلیل عقایدش را ارائه می‌کند و دلیل برادرش را می‌شنود، چه آن را بپذیرد یا نه ولی در برابر دشمن مشترک از برادر دینی خود حمایت کنیم و به خاطر وی فدا شویم، مانند برخوردی که جمهوری اسلامی با مسلمانان فلسطین

داشته، که همه کشورهای عربی می‌خواهند دست دوستی به اسرائیل بدهند، جز جمهوری اسلامی که از انتفاضه در داخل فلسطین پشتیبانی می‌کند و حزب‌ا‌ لبنان را از شیعیان طرفدار خود، به وجود آورده تا به وسیله آنان با اسرائیل بجنگند و آنان به خاطر فلسطینیان کشته شوند، و امام خمینی (رضوان ا‌ تعالی علیه) روز قدس را قرار داد. ما نیز باید مسلمانان را به این نوع وحدت (عملي) فرا خوانیم، و آخرین کلام من این آیه شریفه است: «قل هذه سبیلی ادعوا الی ا‌ علی بصیره (منبع:رسالت)

راهكارهاي وحدت از ديدگاه امام خميني(ره)

يكي از تأثيرگذارترين رهبران وحدت طلب و پيشوايان اصلاح گراي معاصر، امام خميني(ره) رهبر كبير انقلاب اسلامي است. او نيز همچون سيدجمال الدين بنيانگذار حركت اصلاحي و وحدت طلبي، از برجسته ترين مناديان همبستگي و انسجام اسلامي به شمار مي رود. انديشه هاي اين مرد بزرگ الهي در مرحله نظر باقي نمانده، بلكه غالباً جامه عمل پوشيده است. در زمينه وحدت نيز راهكارهاي اساسي و كاربردي براي تحقق اين هدف بزرگ ارائه نموده است كه در ذيل به مهم ترين آنها اشاره مي گردد

1ـ رهبري واحد

براي وحدت يک جامعه، رهبري واحد و اطاعت و پيروي از او، سخن نخست است. يعني قبل از هر راهكار ديگر و انجام فعاليت در مسير همبستگي، شناسايي يک رهبر واحد، گرد آمدن در كنار او و حرف شنوي از اوامر و دستورهاي وي، از اهم راهكارهاي وحدت به شمار مي رود. اين مسئله در دين امري پذيرفته شده و حتي مورد تأكيد است.[1]

2ـ شناسايي كانون فساد و منشأ اختلاف

يكي از دقتها و موشكافيهاي حضرت امام(ره) در باب راهكارهاي وحدت، شناسايي كانون فساد و منشأ اختلاف است. از ديدگاه ايشان مي توان استفاده كرد كه ما نبايد خود را درگير مسائل ظاهري و سطحي اختلافها كنيم، بايد ريشه هاي اصلي را پيدا كنيم و بخشكانيم. ايشان با هرگونه حركتي كه باعث انحراف افكار ملت از مجرم اصلي شود به مقابله برمي خيزند و به روشنگري و ارائه مسير صحيح مبارزه مي پردازند.

مبارزات حضرت امام(ره) با شاه فاسد و نقشه هاي اختلاف بر انگيز او، نيز بر همين مبنا استوار

بود. مبارزه با ابر قدرتهايي مثل آمريكا كه همواره به اختلاف و تفرقه در جوامع اسلامي دامن مي زنند نيز از همين قبيل بود.

3ـ پرداختن نويسندگان به وحدت

از راهكارهاي اساسي ديگر، توجه و پرداختن نويسندگان و فرهنگيان و دانشمندان به وحدت و توليد كتابها و ديگر آثاري است كه در زمينه وحدت و همبستگي باشند و جامعه اسلامي را به همدلي فرا بخوانند. حضرت امام(ره) در يكي از سخنان خود مي فرمايند:

«اي آقاي محترمي كه اين صفحات را جمع آوري نموديد و به نظر علماي بلاد و گويندگان رسانديد خوب است يک كتابي فراهم آوريد كه جمع تفرقه آنان را كند و همه آنان را در مقاصد اسلامي همراه كرده از همه امضا مي گرفتيد كه اگر در يک گوشه مملكت به دين جساراتي مي شد همه يک دل و يک جهت از تمام كشور قيام مي كردند».[2]

4 ـ برنامه ريزي و انجام كارهاي تشكيلات.

يكي از تأثير گذار ترين راهكارهاي وحدت، برنامه ريزي، ايجاد انجمنها و انجام كارهاي تشكيلاتي در مسير همبستگي است.

حضرت امام(ره) اين مهم را به خوبي دريافته بود و تمام فعاليتهاي ايشان در طول مبارزه ضد استعماري خارجي و ضد استثماري داخلي، نشان از برنامه ريزي، سياستگذاري و انجام فعاليتهاي تشكيلاتي است..

5 ـ جلوگيري از اهانت

يكي از عوامل خطرناک تفرقه و اختلاف، توهين و افترا به افراد، جامعه و يا مذهب و اعتقاد ديگران است. راهكار اصولي در اين زمينه نيز از بين بردن اين عامل است. امام(ره) پس از آزادي از زندان در سال 1343 وقتي متوجه مي شوند در بين طلاب جوان صحبتهايي در هجو و بدگويي از بعضي از مراجعي كه با امام همراهي نكرده اند رايج شده است، به شدت بر آشفته مي شوند.

6 ـ احترام متقابل

يكي از مهم ترين راهكارهاي همبستگي و همدلي، احترام متقابل به همديگر است. دو فرد و يا دو جامعه و يا دو مذهب و اعتقاد ممكن است تفاوتها و تمايزاتي داشته باشند. راه مسالمت زيستي و همبستگي اين است كه نسبت به هم روابط احترام آميز متقابل داشته باشند. اين مسئله در بين گروههاي مختلف يک جامعه و حتي افراد يک خانواده نيز صادق است. احترام متقابل موجب همدلي و وحدت مي گردد. حضرت امام(ره) در باره احترام متقابل گروههاي مختلف جامعه به خصوص روحانيان و روشنفكران و دانشگاهيان مي فرمايند::

«لازم است طبقات محترم روحاني و دانشگاهي، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفكر دانشگاهها به روحانيت و روحانيون احترام بگذارند خداوند تعالي آنها را محترم شمرده و اهل بيت وحي سفارش آنها را به ملت فرموده است. روحانيت قدرت بزرگي است كه با از دست دادن آن خداي نخواسته پايه هاي اسلام فرو مي ريزد و قدرت جبار دشمن بي معارض مي شود»[3]

7 ـ تمسک به مشترکات

مسلمانها و مذاهب مختلف اسلامي و همين طور اسلام با ديگر اديان توحيدي مشتركات بسياري دارند كه تمسک به اين مشتركات مي تواند يكي از راهكارهاي اساسي وحدت و همبستگي جوامع انساني يا اسلامي باشد. امام(ره) نيز بارها با تكيه و تمسک به وجوه مشترک در جهت ايجاد وحدت بين مسلمانان و حتي غيرمسلمانان همه را دعوت به وحدت مي كردند.

8 ـ پرهيز از مسائل تفرقه افكن

از راهكارهاي مهم همبستگي، پرداختن به مسائل و پرهيز از امور تفرقه افكن است. امام(ره) به مصالح امت اسلامي همواره توجه مي كرد و از حركاتي كه فايده اي جز ايجاد تفرقه در صفوف مسلمانان ندارد به شدت پرهيز مي نمود.

و همچنين در پيامهايي كه براي حجاج ايراني مي فرستند، مي فرمايند:

«لازم است برادران ايراني و شيعيان ساير كشورها از اعمال جاهلانه كه موجب تفرقه صفوف مسلمين است احتراز كنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشكيل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهايي مخالف رويه اجتناب نمايند.»[4]

در وقتي كه در مسجدالحرام يا مسجدالنبي نماز جماعت منعقد شد مؤمنين نبايد از آنجا خارج شوند

و بايد از جماعت تخلف نكنند و با ساير مسلمين به جماعت نماز بخوانند.]

9 ـ ايجاد حكومت اسلامي

از كاربردي ترين راهكارهاي وحدت، اقدام عملي در جهت ايجاد وحدت و همبستگي است. وحدت با آرزو و تخيل انجام نمي پذيرد. اگر واقعاً مي خواهيم به وحدت حقيقت دست يابيم، بايد بكوشيم در عمل وارد صحنه شويم و گامهاي عملي و كاربردي در اين زمينه برداريم. تشكيل حكومت اسلامي يكي از اين اقدامات عملي است.

10 ـ اهتمام به امور مسلمانان در جهان

مسلمانان بايد به سرنوشت همديگر حساس باشند و به مصائب و مشكلاتشان ابراز احساسات نمايند. مسلمانان خارج از حوزه جغرافياي خاص خودشان، به امور مشترک ديني و باورهاي ايماني خود اهتمام به خرج دهند. حضرت امام با تعيين آخرين جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز «جهاني قدس» و «روز اسلام»، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفي در اتحاد ميان مسلمانان جهان ايجاد كردند كه هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت اين روز افزوده مي شود. امام در اين باره مي فرمايند:

«روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزي است كه اسلام را بايد احيا كرد و احيا بكنيم و قوانين اسلام در ممالک اسلامي اجرا بشود. روز قدس، روزي است كه بايد به همه ابرقدرتها هشدار بدهيم كه اسلام ديگر تحت سيطره به واسطه عمال خبيث شما واقع نخواهد شد.»[5]

11 ـ بيداري و قاطعيت در برابر دشمنان و تفرقه افكنان

از نظر حضرت امام(ره) بيداري در مقابل دشمن، آگاهي از توطئه ها و برنامه هاي تفرقه افكنانه آنان و برخورد قاطع و دندان شكن با آنها، موجب اتحاد و همبستگي مسلمانان مي گردد. موضع بسيار به حق امام با فتواي تاريخي و برخورد قاطع مبني بر حكم ارتداد و اعلام حكم قتل سلمان رشدي كه مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احياي اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد.

12ـ ايمان به هدف و بيداري امت اسلامي

يكي از راهكارهاي وحدت اين است كه ما به هدف اميدوار باشيم، ايجاد وحدت امت اسلامي و بيداري

جوامع مسلمان از خواب غفلتي كه آنان را فرا گرفته است، براي ما خواب و خيال نباشد، بلكه آن را هدف تحقق يافتني و در دسترس بدانيم.

امام با تمام وجود و با الهام و اعتقاد به وعده اجتناب ناپذير الهي مبني بر پيروزي مستضعفان بر مستكبران و امامت و رهبري آنان بر روي زمين، اولاً خود ايمان راسخ به آينده و تحقق وعده الهي و پيروزي و بيداري ملل مستضعف دارند، ثانياً، با تكيه بر ايمان و اعتقاد محكم خويش، همواره ملل اسلامي و مستضعف جهان را اميد به پيروزي و آينده نگري مي دهد و هميشه از «آينده روشن» و «بيداري امت اسلامي» و همبستگي و اقتدار آنان به عنوان قاعده اي تخلف ناپذير و اميد بزرگ ياد مي نمايد و مكرر به اين حقيقت اشاره مي كند.

بنابراين، امت اسلامي در عقيده و شريعت، در امر قيادت و رهبري و در غرض و هدف، وحدت نظريه دارند و بايد در مجامع جهاني با هم همكاري كنند، نه اين كه به تكفير و تفسيق يكديگر بپردازند. (آية ا جعفر سبحاني،سيماي فرزانگان ج 2 به نقل از سايت تبيان) در ادامه جهت بررسي دقيق تر موضوع، ديدگاه هاي انديشمندان مسلمان پيرامون وحدت اسلامي و عوامل تقويت آن، ارائه مي گردد : 1. اتحاد و انسجام از ديدگاه امام خميني (قدس سره) يكي از محورهاي اساسي تشكيل دهنده استراتژي امام وحدت و انسجام است، كه در ابعاد مختلف كاربرد دارد، در حوزه كانون هاي تبليغي و فرهنگي حضرت امام خميني(ره) با تأكيد بر استفاده از روش ها و نهادهاي فرامدرن براي بيان و تبليغ و باورهاي اسلامي در مقابل از ميان همه شيوه هاي سنتي در عرصه باورسازي و توليد انديشه تريبون هايي را برمي گزينند كه علاوه بر داشتن حوزه تأثير فراگير و عميق از سويي كم هزينه نيز مي باشند اما آنچه كه در اين انتخاب مهم بوده. اين نهادهاي ديني و مذهبي در ذات خود بيانگر و نماد انسجام اسلامي است يعني در عين كاركرد محتوايي در ظاهر نيز تبليغ كننده همبستگي و اتحاد مي باشد.

مانند آيين هاي نمازجمعه و جماعات و در سطح بين المللي مناسك حج، ايشان پيرامون برجستگي كانون هاي مذكور در زمينه ترسيم انسجام اسلامي و تبليغ باورهاي ديني مي فرمايد:«اسلام اين گونه اجتماعات را فراهم كرده تا از آن استفاده ديني بشود، عواطف برادري و همكاري افراد تقويت شود، رشد فكري بيشتري پيدا كنند، براي مشكلات سياسي و اجتماعي خود راه حل هايي بيابند و به دنبال آن به جهاد و كوشش دسته جمعي بپردازند.»(1) حضرت امام(ره) در ادامه مي گويند: «اگر هر روز جمعه مجتمع مي شدند و مشكلات عمومي مسلمانان را به ياد مي آوردند و رفع مي كردند و يا تصميم به رفع آن مي گرفتند كار به اينجا نمي كشيد.

امروز بايد با جديت اين اجتماعات را ترتيب دهيم و از آن براي تبليغات و تعليمات استفاده كنيم به اين ترتيب نهضت اعتقادي و سياسي اسلام وسعت پيدا مي كند و اوج مي گيرد.»(2) حضرت امام(ره) با تاكيد بر بهره گيري از اجتماعات موصوف در واقع بر كاركرد دوگانه آنها اصرار دارد: 1) كاركرد آموزشي در زمينه باورسازي. تعميق و تعليم بينش فكري و فرهنگي 2) نقش اساسي در اجتماع سازي و

تمركز اراده و نيروي انساني امت اسلامي براي رسيدن به انسجام و همبستگي ملي جنبش سياسي و عملي براي انسجام اسلامي استراتژي و طراحي حضرت امام خميني(ره) براي رسيدن به انسجام اسلامي متشكل از دو لايه است: لايه اول: همان كاركرد فرهنگي و فكري است و دومين عنصر، جنبش سياسي و عملي است. يقينا دست يابي به انسجام اسلامي بدون وجود يك قاعده سياسي و شكل گيري زيرساخت هاي نظام سياسي سرزميني يا فرااقليمي امكان پذير نيست

و امكان عينيت يافتن را ندارد. نقش دولت ها و حكومت ها در راهبرد انسجام و اتحاد حضرت امام(ره) اولين رسالت را در اين زمينه متوجه دولت ها مي سازد و بدون در نظر گرفتن مرزهاي جغرافيايي خواهان حركت دولت ها به سوي منافع و رويكرد واحد براي ارزيابي هويت ملي و ديني و قطع ريشه هاي وابستگي، واگرايي و استعمار مي شود.

ايشان مي گويند: «ما حرفمان اين است كه دولت ها بيايند قبل از اينكه خود ملت ها قيام بكنند، خود دولت ها بيايند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند، با هم يك جلسه اي درست كنند، همه رئيس جمهورها بنشينند، پيش هم و حل كنند مسائل شان را هر كس سر جاي خودش باشد، لكن در مصالح كلي اسلامي، در آن چيزي كه همه هجوم آورده اند به اسلام در او با هم اجتماع كنند، جلوشان را بگيرند و آسان هم هست.»(3) در اين راستا حضرت امام(ره) حتي از برخي رفتارهاي نابخردانه، غيراسلامي و نيز وابستگي بعضي حكومت هاي كشورهاي اسلامي چشم پوشي مي كند و خطاب به همه سران اسلامي ميفرمايد: «ما ميل داريم كه با همه كشورهاي اسلامي برادر باشيم، همه ي حكومتها در عين حال كه اعوجاج دارند برگردند، و با ما دست اخوت بدهند، ما صلاح همه را مي خواهيم. نقش ملتها و اراده آنان در راهبرد انسجام اسلامي حضرت امام خميني(ره) وقتي سران دولت هاي اسلامي را در اتخاذ استراتژي وحدت طلبانه و ديپلماسي انسجام ناكارآمد و نااهل يافتند شيوه دعوت به انسجام را به روند «حركت از پايين به بالا» تغيير دادند و اين بار ملت ها را مورد خطاب خويش قرار مي دهند و ميفرمايند: «ملتها خودشان بايد در فكر اسلام باشند، مايوسيم ما از سران اكثر قريب به اتفاق مسلمين، لكن ملت ها خودشان بايد به فكر باشند و ازآن ها مايوس نيستيم.» حضرت امام خميني(ره) از آغاز مبارزات همواره بر عنصر مردم به عنوان عامل اساسي پيشبرد جريان هاي سياسي جهان اسلام تاكيد داشته و عموما خطاب هاي ايشان متوجه ملت ها بود. فعال سازي ملت ها و مشاركت دادن آنها در فرايند سياسي براي وصول به انسجام اسلامي و اتحاد ملي در درون، بدون وجود نهادهاي مدني و كانون هاي تجمع امكان پذير نيست، لذا بايد كانون هاي مدني با كار ساخت ويژه سياسي جهت دست يابي به انسجام طراحي و تدوين گردد. حضرت امام به عنوان رهبري الهي، حكيم و متكي به پشتوانه ي غني علمي و آگاهي داشتن به رهآوردها و نوآوري هاي سياسي روز، براي سازماندهي توده ها در دو سطح جهاني و اسلامي دو نهاد اساسي را پيشنهاد مي كنند

مقوله‌بندي سياست‌ها و راه‌كارهاي انسجام‌بخش از نظر امام(ره) ومقام معظم رهبري

1) سياست‌ها و راه‌كارهاي سياسي

الف) در سطح فراملي

- اولويت تقويت انسجام مذهبي در بين شيعه و سني در درون هر يک از كشورهاي اسلامي در كنار سياستگذاري‌هاي كلان.

- برخورد با فرقه‌هاي اختلاف‌انگيز و تقويت جريان‌هاي متعادل و ميانه‌رو در جهان اسلام.

- تعامل سفارتخانه‌هاي كشورهاي اسلامي با رويكرد تقويت انسجام.

- تصويب مجازات‌هاي حقوقي براي اعمال خشونت‌آميز افراطي در كشورهاي اسلامي.

- سياستگذاري در جهت انسجام اسلامي در قالب و بستر مفاهيم جديد و جذابي چون جهاني شدن و...

- گسترش كمي و كيفي پژوهش‌هاي بنيادي و كاربردي پيرامون مسئله انسجام مذهبي در سطح جهان اسلام.

- بهره‌گيري دولت‌هاي اسلامي از راهبردها و راه‌كارهاي پيشنهادي و پژوهش‌هاي علمي و سياستگذاري پژوهش‌مدار در مسير انسجام اسلامي.

- رويكرد اولويت بخشيدن در به‌كارگيري كارشناسان و متخصصان اسلامي در موضوعات مختلف.

- طرح نظريه جهاني شدن در راستاي اسلام.

- قرار دادن سرزمين مقدس فلسطين به عنوان يک اصل مشترک بين تمامي كشورهاي اسلامي و يكي از محورهاي انسجام اسلامي.

- رصد مستمر اقدامات دشمن.

ب) در سطح ملي

- تدوين سند راهبردي و نظام‌نامه تقريب و انسجام مذهبي با نظر علماي سني و شيعه و مسئولان ذي‌ربط در شوراي اسلامي سياستگذاري.

- معرفي جريانات تفرقه‌افكن و اعلان موضع نسبت به آن‌ها.

- اتخاذ مواضع مشترک نسبت به موضوعات اصولي مختلف مانند ضرورت شركت در مراسم‌هاي ملي (روز قدس،22 بهمن و...).

- مقابله جدی با توطئه‌های اختلاف‌برانگيزانه دشمنان.

- پيشگيري از تضادها و منازعات سياسي و رقيب‌ستيزي و نيز توافق در اصول كلي حاكم بر روابط جامعه.

2) سياست‌ها و راه‌كارهاي فرهنگي علمي

الف) در سطح فراملي

- تدوين آثار مشترک و برگزاري همايش‌هاي علمي.

- ارائه پژوهش‌هاي علمي براي تبيين حقايق تاريخي از ديدگاه علمي بدون تعصبات مذهبي.

- برگزاري مسابقات فرهنگي، هنري و علمي در موضوعات مختلف در سطح جهان اسلام.

- توليد و تكثير نرم‌افزارهاي رايانه‌اي در جهت توليد فرهنگ هم‌گرايي در سطح جهان اسلام.

- سياستگذاري آموزشي (دوره‌هاي قبل از دانشگاه و دوره دانشگاه) و تدوين برنامه درسي كشورهاي اسلامي با رويكرد تقويت انسجام مذهبي.

- بسط و تقويت منشورات (كتاب، مجله، روزنامه‌ها) و فعاليت‌هايي مثل نشست‌هاي علمي و كنفرانس‌ها و... به منظور تقويت بنيادها و بنيان‌هاي انسجام مذهبي.

- فرهنگ‌سازي با ابزارهاي مختلف آموزشي در رسانه‌هاي تبليغي در جهت افزايش ميزان، تحمل، سعه‌صدر و مداراي مذهبي در جهان اسلام.

- گسترش تعامل دانشگاهي و جذب دانشجويان و اساتيد در بين كشورهاي اسلامي.

- تقويت برنامه‌هاي تبادل فرهنگي از طريق نمايشگاه‌ها و جشنواره‌هاي علمي، ادبي، هنري و نمايشي با رويكرد انسجام مذهبي.

- ارتباط نهادينه و مستمر نخبگان فكري مسلمان و سطح جهاني در قالب تشكل‌هاي فرهنگي.

- تأسيس دانشگاه جهاني اسلامي با شعبه‌هايي در هر يک از كشورهاي اسلامي، همراه با تدوين متون اسلامي و تربيت اساتيد با رويكرد هم‌گرايانه.

- تدوين تاريخ، پيشينه و حوادث مشترک اسلامي از صدر اسلام تا كنون به صورت منسجم و تبليغ و تدريس آن در كشورهاي اسلامي.

- سرمايه‌گذاري اساسي براي تلاشي فراگير جهت بالا بردن سريع نرخ سواد در سطح جهان اسلام.

- طراحي ساز و كار گفتمان و مشورت چندجانبه در منطقه پيرامونی و جهان اسلام به‌ويژه در سطح نخبگان و متفكران برجسته اسلامي.

- تقويت هر چه بيشتر روند هم‌گرائي و گفتگوي بين‌المذاهب در سطح علماي اسلامي از طريق جريانات متعادل و روند همدلي در سطح عمومي با استفاده از ابزارهاي مورد نظر.

- راه‌اندازي اتاق فكر با حضور شخصيت‌هاي شيعه و سني و نظريه‌پردازي و پيشنهاد راهبردي به دستگاه‌ها.

ب) در سطح ملي

- وحدت حوزه و دانشگاه از طريق روزآمد نمودن ساز و كارها، تدوين راهبردهاي موضوعي.

- پديد آوردن شعارها و نمادها براي وحدت.

- ايجاد روحيه نقدپذيري علمي در سايه برگزاري نشست‌هاي دوستانه افراد و گروه‌ها.

- اسخراج متون مشترک روايي مورد قبول فريقين و بهره‌گيري از آن به عنوان پايه‌هاي تقريب.

- زمينه‌سازي علماي مذاهب براي وحدت.

- اجازه باروري انديشه‌ها تا آنجا که اصول و منافع ملي خدشه‌دار نگردد.

- پايه‌ريزي مهندسي اجتماعي و فرهنگي بر مبناي گفتمان وحدت و تقريب مذاهب اسلامي.

- پژوهش‌هاي عميق براي رسيدن به رهيافت علمي منشور وحدت اسلامي.

- ترسيم افق‌هاي وحدت بر محور توحيد و نبوت و ساير مشترکات.

- پي‌گيري روش ارزشمند انديشمنداني همچون: سيدجمال‌الدين اسدآبادي، سيد قطب، محمد عبده، شرف‌الدين، آيت‌ا... بروجردي، شيخ شلتوت، امام خميني(ره)، مقام معظم رهبري(مدظله) و...

3) سياست‌ها و راه‌کارهاي اجتماعي

الف) در سطح فراملي

- در نظر گرفتن امکانات جهانگردي آسان و ارزان براي مسلمانان جهت بازديد از کشورهاي اسلامي.

- آسيب‌شناسي مسايل اجتماعي جهان اسلام و پايه‌ريزي مهندسي اجتماعي بر مبناي گفتمان تقريب مذاهب اسلامي.

- تأسيس نهادهاي اجتماعي براي حل منازعات بين مسلمانان و تقويت صلح و مصالحه.

- ايجاد و تقويت نهادهاي اجتماعي و تشکل‌هاي غير دولتي (جوانان، کارگران، زنان، دانشجويان، طلاب و...) با رويکرد انسجام مذهبي.

- ارتباط و تعامل هر چه بیشتر رهبران انقلاب و علمای بلاد اسلامی به منظور انسجام و وحدت بیشتر جهان اسلام و کشورهای اسلامی.

- ارائه نسخه شفابخش محبت و مدارا در میان امت اسلامي براي پايان بخشيدن به ستيزه‌هاي فرسايشي.

ب) در سطح ملي

- بيداري اسلامي مردم و مسئوليت نخبگان.

- پرهيز از مسائل تفرقه‌افكن.

- خودداري مديران ارشد نظام اسلامي، متوليان و صاحب‌منصبان حكومتی از ورود به منازعات سياسی و باندی و حزبي و خدمت به مردم در كمال صداقت و صميميت.

- پاي‌بندي همه گروه‌هاي وفادار نظام به قانون اساسي جمهوري اسلامي به عنوان منشور اتحاد ملت مسلمان ايران.

- تقويت هوشيارانه پيوند ملت و دولت و افزايش قانون‌گرايي و مشاركت مردم در عرصه‌هاي گوناگون

- پذيرش و رسميت بخشيدن به حقوق قانوني گروه‌هاي مختلف به منظور بازيابي و تعريف هويت آنان در سايه وحدت ملي.

4) سياست‌ها وراه‌كارهاي اقتصادي

الف) در سطح فراملي

- تقويت روابط اقتصادي و تجاري در بين كشورهاي اسلامي.

- تأسيس بانك‌هاي بدون ربا، مبتني بر آموزه‌هاي اسلامي به صورت متمركز و مرتبط با يكديگر در سطح جهان اسلام.

- تشكيل صندوق‌هاي قرض‌الحسنه براي حمايت از مسايل اساسي جهان اسلام (مسئله فلسطين و حوادث غيرمترقبه چون سيل پاكستان).

- تأسيس بلوک‌هاي اقتصادي منطقه‌اي جداگانه در سطح جهان اسلام (كشورهاي مسلمان جنوب شرق آسيا، كشورهاي مسلمان شمال خاورميانه و آسياي ميانه، كشورهاي حاشيه خليج فارس، كشورهاي مسلمان مغرب عربي و كشورهاي مسلمان آفريقاي مركزي).

- تأسيس بازار مشترک و لغو يا به حداقل رساندن عوارض گمرگي و تعرفه‌هاي وارداتي در كشورهاي اسلامي.

- بهره‌گيري مشترک كشورهاي اسلامي از مواهب عظيم طبيعي و جغرافيايي خصوصاً ابزار نفت براي دفاع از منافع و مصالح جهان اسلام.

- ايجاد شركت‌هاي فراملي در جهان اسلام با هدف جذب سرمايه‌هاي (انساني و مادي) جهان اسلام و جلوگيري از فرار سرمايه‌ها و رقابت با شركت‌هاي غيراسلامي و غربي.

- تلاش در جهت تشكيل اتحاديه جهان اسلام با بهره‌گيري از الگوهاي هم‌گرايي در جهان بر پايه تدوين قانون اساسي واحد كشورهاي اسلامي، تدوين نظام واحد حقوقي و جزائي جهان اسلام يا داوري اسلامي، بازار مشترک اسلامي و وحدت پولي و مالي مسلمانان، انعقاد پيمان دفاعي‌امنيتي كشورهاي اسلامي و تشكيل مراكز فكري و توليد انديشه در جهان اسلام.

- شركت‌هاي اسلامي بايد مستقل باشند و منابع تغذيه مالي آن‌ها صرفاً از ثروت و منابع مالي مسلمانان تأمين شود.

- اختصاص اولويت‌هاي تجاري به تجارت با كشورهاي اسلامي، نسبت به بازرگاني با ديگر كشورها.

- همكاري گسترده در به‌كارگيري نيروهاي متخصص و كارشناسان و اساتيد علوم و فنون جديد به جاي كارشناسان بيگانه به منظور هم‌ياري در توسعه و پيشرفت متقابل.

- ايجاد شركت‌هاي فراملي با هدف جذب سرمايه‌هاي معطل و سرمايه‌گذاري در كشورهاي اسلامي با رعايت مناسبات و شرايط مناطق و سد عملي فرار اين سرمايه‌ها به بازارها، بانک‌ها و مراكز صنعتي

اروپايي.

ب) در سطح ملي

- توجه جدی به مقوله کار و تلاش و تولید علم.

- تلاش در جهت نهادینه‌سازي ارزش‌ها و منافع مشترک در جامعه.

5) سیاست‌ها و راه‌کارهاي امنیتي و ارتباطاتي

الف) در سطح فراملي

- تأسیس سایت‌ها و وبلاگ‌هاي ویژه تقویت انسجام مذهبي و پاسخ‌گویي به شبهات در این زمینه.

- برنامه‌هاي رادیوتلویزیوني مشترک کشورهاي اسلامي خصوصاً در مناسبت‌هاي ویژه با بهره‌گیري از مواریث و پیشینه مشترک فرهنگي و تاریخي.

- تأسیس رسانه‌اي فراگیر و جامع در سطح جهان اسلام با هدف بسط و تقویت انسجام اسلامي و مقابله با ناتوي فرهنگي.

- تشکیل اتحادیه انسجام مذهبي در بین متولیان و نخبگان مطبوعات جهان اسلام.

- افشاگري رسانه‌هاي اسلامي از توطئه‌ها و ترفندهاي رسانه‌هاي استکباري و استعماري در سطح جهان اسلام و جهان.

- پوشش دادن و تبلیغ رسانه‌ها بر روي اخبار، حوادث، پدیده‌ها و مسایل با رویکرد بسط فرهنگ هم‌گرایي در جهان اسلام.

- بهره‌گیري از نمادهاي مطرح در سطح جهان اسلام (روز قدس، هفته وحدت، هفته حج) و تولید شعارها و نمادهاي جدید انسجام‌محور.

- بهره‌گيري و تبليغ بر روي مواريث ادبي، عرفاني و آثار و سيره شخصيت‌هاي برجسته جهان اسلام.

- تأسيس نهادهاي امنيتي مرتبط در سطح جهان اسلام براي مقابله با تهديدات امنيتي بيگانگان.

- انتقال تجارب و ايجاد آگاهي لازم نسبت به برنامه‌هاي جاسوسي دشمنان و ايجاد حساسيت براي نخبگان سياسي و مذهبي كشورهاي اسلامي.

- تهيه فيلم‌ها و مستنداتي درباره تلاش‌ها و شيوه‌هاي صهيونيست‌ها و غرب در آسيب زدن به جهان اسلام.

- تقويت و گسترش حوزه فعاليت سازمان كنفرانس اسلامي و زمينه‌سازي جهت ايجاد ساختارهاي تكميلي با هدف نقش‌آفريني و كارا نمودن سازمان در حل و فصل مسائل جهان اسلام و دفاع از مواضع كشورهاي اسلامي در نظام بين‌الملل.

- تقويت نقش و جايگاه جهان اسلام و كشورهاي اسلامي در نظام نوين بين‌الملل بر پايه مصالح عاليه امت اسلام به‌ويژه در بهره‌گيري بهينه از مواهب عظيم طبيعي و منابع انساني.

- تشكيل اتحاديه‌هاي همكاري منطقه‌اي در جهان اسلام در ابعاد مختلف فرهنگي، سياسي اقتصادي و انرژي.

- تدوين نظام دفاعي‌امنيتي كشورهاي اسلامي با هدف تشكيل ارتش ده‌ها ميليوني جهان اسلام.

- تقويت پارلمان‌هاي بين‌المجالس اسلامي.

- تشكيل اتحاديه كشورهاي اسلامي با بهره‌گيري از الگوهاي موجود.

- راه‌اندازي سامانه رسانه‌اي تحت كنترل و بر اساس چارچوب مشخص.

ب) در سطح ملي

- تحقيق و تأليف كتب در سطح ملي و تهيه گزارش به وسيله محققان و نويسندگان و رسانه‌ها درباره بيان ضرر و زيان اختلافات مذهبي در گذشته.

- خوداري اصحاب جرايد، مطبوعات، رسانه ملي، گويندگان، نويسندگان و مسئولان از هرگونه اظهار نظرهای تعصبي، غيركارشناسانه و غيرمسئولانه.

- آگاه‌سازي مردم از ترفندهاي دشمنان در راستاي خاموش ساختن شعله‌هاي بيداري اسلامي و اتحاد شكني.

- هدايت افكار عمومي به سوي منافع ملي و فاصله گرفتن از منافع گروهي و جناحي.

6) سياست‌ها و راه‌كارهاي مذهبي و ديني

الف) در سطح فراملي

- توجه به مؤلفه‌هاي مهم وحدت (اسلام، توحيد، قرآن، نبوت و اهل‌بيت).

- زمينه‌سازي براي ارتباطات نهادينه و مستمر در ايام حج ميان مسلمانان.

- شناسايي تمام نهادهاي ديني‌مذهبي جهان اسلام و ايجاد ارتباط مستمر و نهادينه ميان آن‌ها.

- اتخاذ تصميم براي موضع‌گيري مشترک علماي بزرگ اسلامي در مناسک و آيين‌هاي ويژه (استهلال، عيد قربان، ولادت و بعثت نبوي و...).

- حفاظت از اماكن متبركه و مقدس اسلامي در سطح جهان اسلام.

- تدوين فقه مقارن و عقايد تطبيقي از سوي نخبگان ديني و تبليغ و تدريس اين منابع در حوزه‌هاي ديني.

- تعريف، تدوين و تحديد حد و مرز موضوعاتي چون: كفر، شرک، فسق و... در نشست‌هاي مشترک اسلامي و جلوگيري از نشر آثار تفرقه‌انگيز و اظهار نظرها و اتهامات سليقه‌اي و متعصبانه و

متعرضانه در جهان اسلام نسبت به مسلمانان.

- صدور فتاواي تعيين كننده و برجسته از سوي مراجع اقتدار مذهبي در جهت تقويت و تعميق انسجام اسلامي (صدور فتاواي هم‌گرايانه).

ب) در سطح ملي

- عمل به دستورات و تعاليم الهي قرآن كريم و عترت مطهر.

- هم‌گرايي با تأكيد روي عرفان و معنويت اسلامي.

- تعامل مستمر و نهادينه حوزه‌هاي علميه اهل‌سنت و شيعه در سطح كشور.

- سياستگذاري آموزشي حوزه‌هاي علميه مناطق قومي كشور با رويكرد تقويت انسجام اسلامي.

- تقويت و بسط آيين‌هاي مذهبي انسجام‌محور و تضعيف و حذف آيين‌هاي اختلاف‌برانگيز در سطح كشور از سوي نخبگان مذهبي و سياسي.

- جلوگيري از كارهاي افراطي و محكوم كردن اعمال غير انساني افراد افراطي.

- خودداري عالمان و انديشمندان مذهبي از اظهارات تحريک كننده و حساسيت برانگيز

بحث و نتيجه گيري

ما امروز برای رویارویی با خطرهایی که از هر سو و در همه جا ما را در برگرفته چه باید بکنیم؟ اکنون بر یک و نیم میلیارد مسلمان واجب است با یکدیگر متحد شوند و اگر چنین کنند، هیچ قدرتی در جهان توان رویارویی با آنها را ندارد. ما امروز نیاز به وحدت در همه زمینه‌ها داریم که مثلا در عرصه اقتصادی از طریق تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی نظیر بازار مشترک اروپا دست‌یافتنی است. البته ایجاد چنین وحدتی وظیفه دولتهای اسلامی است، نه وظیفه ما. وظیفه ما علما و همه متفکران اسلامی در سراسر گیتی و دانشمندان جهان اسلام و رهبران فکری امت اسلامي، ایجاد همبستگی میان مسلمانان است. باید وحدت اسلامی را برقرار کنند، و اینکه چگونه وحدت اسلامی تحقق می‌یابد، اندیشه‌ای در ذهن دارم که مطرح می کنم؛ وحدت اسلامی به دو نوع تقسیم می‌شود: 1 - وحدت علمی 2 -

وحدت عملی . برای تحقق وحدت علمي، باید به بحث‌وبررسی و مطالعه مسائل مورد اتفاق و اختلاف میان مکتب اهل بیت‌علیهم‌السلام و روش خلفا بپردازیم. اما مهمترین موارد اتفاق، عبارتند از: 1 - قرآن کریم ما باید بر گرد قرآن جمع و با یکدیگر متحد شویم. 2 - سنت پیامبرصلی ا‌ علیه وآله همه مسلمانان دنیا اتفاق نظر دارند بر اینکه [باید] به آنچه در سنت رسول خداصلی ا‌ علیه وآله آمده، عمل کنند، و هیچ مسلمانی یافت نمی‌شود که قائل به این حرف نباشد.این دو از اهم موضوعات مورد اتفاق میان دو مکتب است، و مهمترین موارد اختلاف نیز همین دو مورد است.. علاوه بر این برای دستیابی به این وحدت علمی ما به مطالعه و بررسی اصطلاحات قرآن و عقاید اسلامی نیازمندیم، زیرا ما در حوزه‌های علمیه خودمان و در الازهر و دانشگاه اسلامی الزیتونیه [در تونس]، و در حوزه نجف و قم، اصطلاحات فقهی را خوانده و آموخته‌ایم ولی اصطلاحات اسلامي، قرآني، عقیدتی را رها کرده‌ایم، به عنوان مثال، ما «ا‌» را اسم جنس و اصل آن را «الاله» می‌دانیم که همزه اله حذف و لام مشدد شده و حال آن که علم مرتجل است. و همچنین اصطلاح «خلیفه ا‌» (جانشین خدا) که به نظر ما بر هر بشری صدق می‌کند ولی در حقیقت جانشینان خدا در زمین ائمه معصومین‌علیهم‌السلام هستند که خداوند آنان را پیشوایان هدایت مردم قرار داده است. پس از درک امثال این اصطلاحات است که فهم صحیح قرآن و عقاید اسلامی برای ما مشخص می‌شود.. در این جا مطلبی را که در آخر کتاب «معالم المدرستین» نوشته‌ شده است، نقل می کنم؛ «روی سخن با دانشگاههای اسلامی و اندیشمندان جهان اسلام، علما، نویسندگان اسلامی و مبارزان راه اعاده حیات اسلامی ما و با مصلحان غیرتمند است. جهان اسلام نهضتی را برای تجدید حیات اسلام و نیل به هدفی نو آغاز کرده و شایسته است‌ بی طرفانه به بررسی منابع سنت پیامبرصلی ا‌ علیه وآله، سیره و حدیث‌بپردازیم و بر تقلید از سلف صالح باقی نمانیم نه در استنباط احکام شرعي، و نه در فهم حدیث. به «صحیح بخاري» مراجعه می‌کنیم و حدیث درستی را که در آن می‌بینیم اخذ می‌کنیم، همان‌طور که به اصول کافی نیز مراجعه می‌کنیم و با این روش است که شناخت اسلام از کتاب و سنت و دستیابی به آن تحقق پیدا می‌کند و وحدت کلمه مسلمانان را پیرامون کتاب و سنت‌ به منظور اقدام کردن به تجدید حیات اسلامي، امکان‌پذیر می‌سازد.

با این روش است که وحدت علمی تحقق پیدا می‌کند وحدت عملی در این باره از باب مثال عرض می‌کنم: ما در مکتب اهل‌بیت‌علیهم‌السلام حکمی داریم مبنی بر اینکه «هر کس در نماز بسم‌ا‌ الرحمن الرحیم نگوید نمازش باطل است‌»، و نمی‌توان به او اقتدا کرد ولی با توجه به اینکه برادران حنفی مذهب ما چنین عقیده‌ای ندارند و حمد را بدون «بسم‌ا‌» قرائت می‌کنند، از ائمه ما در کتاب «وسائل الشیعه»، در سه حدیث از امام صادق‌علیه‌السلام آمده است که فرمود: «من صلی خلفهم کان کمن صلی خلف رسول ا‌»، (یعنی؛ کسی که پشت‌سر آنان نماز بخواند، مانند آن است که پشت‌سر رسول خداصلی ا‌ علیه وآله نماز خوانده است)، با اینکه آن امام [جماعت] حنفی «بسم‌ا‌» نمی‌گوید. در حدیث دیگری آمده: «اذا صلیت معهم غفرلک بعدد من خالفک - فی قراءه البسمله - و حضر الصلاه فی المسجد»، (یعنی؛ هر گاه تو با آنان نماز بگزاري، به تعداد کسانی که در خواندن بسم‌ا‌ با تو مخالفت کرده و در مسجد به

نماز ایستاده‌اند، از گناهانت آمرزیده می‌شود.) امام صادق‌علیه‌السلام به راوی دیگری فرمود: «یا اسحاق! اتصلی معهم فی المسجد؟ قال: قلت نعم، قال: «صل معهم، فان المصلی معهم فی الصف الاول کالشاهر سیفه فی سبیل ا»، ای اسحاق، آیا با آنان [مخالفان] نماز می‌گزاري؟ گفتم: آري؛ فرمود: با آنان نماز بگزار، همانا، نمازگزار با آنان در صف اول، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.بدین سان وحدت عملی تحقق می‌یابد.

هر یک از ما (شیعه و سني) دلیل عقایدش را ارائه می‌کند و دلیل برادرش را می‌شنود، چه آن را بپذیرد یا نه ولی در برابر دشمن مشترک از برادر دینی خود حمایت کنیم و به خاطر وی فدا شویم، مانند برخوردی که جمهوری اسلامی با مسلمانان فلسطین داشته، که همه کشورهای عربی می‌خواهند دست دوستی به اسرائیل بدهند، جز جمهوری اسلامی که از انتفاضه در داخل فلسطین پشتیبانی می‌کند و حزب‌ا لبنان را از شیعیان طرفدار خود، به وجود آورده تا به وسیله آنان با اسرائیل بجنگند و آنان به خاطر فلسطینیان کشته شوند، و امام خمینی (رضوان ا تعالی علیه) روز قدس را قرار داد. ما نیز باید مسلمانان را به این نوع وحدت (عملي) فرا خوانیم، و آخرین کلام من این آیه شریفه است: «قل هذه سبیلی ادعوا الی ا علی بصیره (منبع:رسالت) مقام معظم رهبري: « علاج اصلي، داروي اصلي براي امروزِ دنیاي اسلام، داروي «اتحاد» است؛ باید با هم متحد بشوند.

علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامي را تنظیم کنند؛ منشوري تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهمِ متعصبِ وابسته‌ي به این، یا فلان، یا آن فرقه‌ي اسلامي، نتواند آزادانه جماعت کثیري از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه‌ي منشور جزو کارهایي است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامي و علماي اسلامي مطالبه می‌کند

اگر شما این کار را نکنید، نسلهاي بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. می‌بینید دشمني دشمنان را ! می‌بینید تلاش آنها را براي نابود کردن هویت اسلامي و ایجاد اختلاف بین امت اسلامي! بنشینید علاج کنید؛ اصول را بر فروع ترجیح بدهید. در فروع ممکن است افراد یك مذهب هم با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند؛ مانعي ندارد. مشترکات بزرگي وجود دارد؛ گرد این محور - محور مشترکات - همه مجتمع شوند. مواظب توطئه‌ي دشمن باشند؛ مواظب بازي دشمن باشند.

خواص، بین خودشان بحثهاي مذهبي را بکنند، اما به مردم نکشانند؛ دلها را نسبت به یکدیگر چرکین نکنند؛ دشمنی‌ها را زیاد نکنند؛ چه بین فرقه‌هاي اسلامي، چه بین ملتهاي اسلامي، چه بین گروههاي اسلامي در یك ملت.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام) (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبري

منابع

الف) کتاب‌ها

- قرآن مجيد.

- ابن‌ابي‌الحديد، عبدالحميدبن‌هبه‌ا...، شرح ابن‌ابي‌الحديد، بيروت، دارالحكمه، سال 1380.

- اباذري، عبدالرحيم، امام موسي صدر سروش وحدت، تهران، مجمع تقريب مذاهب اسلامي، سال 1383.

- احمدي، حميد (به كوشش)، ايران، هويت، مليت، قوميت، تهران، مؤسسه تحقيقات و توسعه علوم انساني، سال 1383.

- اسميت، آدام، ثروت ملل، ترجمه محمد علي كاتوزيان، تهران، اميركبير، سال 1375.

- بشيريه، حسين، جامعه‌شناسي سياسي، تهران، نشر ني، سال 1374.

- ترنر، جاناتان اچ، ساخت نظريه جامعه‌شناختي، ترجمه عبدالعلي لهسايي‌زاده، شيراز، انتشارات نوين شيراز، سال 1372.

- خليلي، رضا، همبستگي ملي در ايران، تهران، مؤسسه مطالعات ملي، سال 1384.

- دشتي، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم...، مؤسسه اميرالمؤمنين(ع)، سال 1385.

- شريعتي، علي، علي بنيان‌گذار وحدت، تهران، نشر نصر، سال 1350.

- صدر، محمدباقر، ترجمه مصطفي شفيعي، رهبري بر فراز قرون، تهران، موعود، سال 1359.

- صحيفه نور، امام خميني(ره) مجلدات مختلف.

- طباطبايي، سيدمحمدحسين، تفسير الميزان، قم،انتشارات اسماعيليان، سال 1371.

- عباس‌حسن، عباس، ساختار منطقي انديشه سياسي اسلام، ترجمه مصطفي فضايلي، قم، نشر بوستان كتاب قم، سال 1383.

- لاريجاني، محمدجواد، نقد دين‌داري و مدرنيسم، تهران، اطلاعات، سال 1369.

- مطهري، مرتضي، سيري در نهج‌البلاغه، تهران، صدرا، سال 1382.

- مطهري، مرتضي، جاذبه و دافعه علي (ع)، تهران، نشر آثار، 1379.

- منصورنژاد، محمد، رويكردي ديني به مسئله وحدت و هم‌گرايي، تهران، مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي، سال 1387.

- ميرحيدر (مهاجراني)، دره، مباني جغرافياي سياسي، تهران، نشر سمت، چاپ دوم، سال 1372.

- واعظ‌زاده، محمد، زندگي آيت‌ا‌ا‌العظمي بروجردي، قم، مجمع تقريب مذاهب اسلامي، سال 1374

ب) مقاله

- امام خمینی، صحیفه نور، ج18، ص91.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج1، صص 234-235.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج20، ص13.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج6، ص116.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج16، ص240.

- امام خمینی، صحیفه نور، جلد هفدهم، ص98.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج17، ص51.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج19، صص 73-74.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج16، ص47.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج16، ص47.

- امام خمینی، صحیفه نور، ج13، ص83.

- حدیث ولایت، ج1 ص229.

صحیفه امام، ج 1، ص 21، تاریخ 23/جمادی الاولی/1363[2]

صحیفه امام، ج 3، ص 325، تاریخ 24/11/1356[3]

همان، ج 10، ص 61، تاریخ 29/6/1358[4]

صحیفه امام، ج 9، ص 277، تاریخ 25/5/1358[5]